

رانده شدن یاران شیطان

وقتی قیامت برپا شود، همه خلائق در آن روز جمع می‌شوند. شیاطین، جباران، ظالمان، کافران و پیشوایان کفر را با پیروانشان به پیشگاه خداوند متعال آورده و محاکمه می‌نمایند. سپس به فراخور گناهان، افراد را جهنمی کرده و پاداش می‌دهند.

در این هنگام پیروان شیاطین، جباران و ظالمان که کورکورانه از آنان تبعیت و تقلید کرده‌اند خطاب به آنها می‌کنند و می‌گویند: ما در دنیا، پیروان و فرمان بردار شما بودیم و الان به واسطه همان اعمال گرفتار عذاب جهنم هستیم. آیا ممکن است شما، هم اکنون به خاطر رهبر و پیشوا بودن‌تان سهمی از عذاب‌های مرا بپذیرید تا قدری از عذاب ما کاسته گردد؟

آنها بلافاصله می‌گویند: اگر خداوند ما را از این عذاب سوزان نجات داد و به بهشت برد ما هم شما را راهنمایی می‌کنیم، ولی افسوس که کار از اینها گذشته است. چه ناله و بی‌تابی کنیم و چه صبر و شکیبایی، راه‌نجاتی برای ما و شما وجود ندارد. در این حال شیطان خود را تبرئه می‌کند و جرم و گناه خویش را به گردن پیروان خود می‌اندازد. قرآن در این باره چنین می‌فرماید:

«و قال الشیطان لما قضی الامر ان الله و عدکم و عد الحق و وعدتکم فاخلفتکم و ما کان لی علیکم من سلطان الا ان دعوتکم فاستجبتم لی فلا تلولونی و لوموا انفسکم ما انا بمصرخکم و ما انتم بمصرخی انی کفرت بما اشرکتُمون من قبل ان الظالمین لهم عذاب الیم.»

«و شیطان هنگامی که کار - حساب بندگان صالح و غیر صالح - پایان پذیرفت - و هر کدام به سرنوشت و پاداش و کیفر قطعی خود رسیدند - به پیروان خود چنین می‌گوید: خداوند، به شما وعده حق داد و من نیز به شما وعده - پوچ و بی‌ارزشی که خودتان می‌دانستید -

دادم. سپس از وعده‌های خود جستم - البته این را بدانید که - من بر شما تسلطی نداشتم و شما را وادار نمی‌کردم. تنها - کاری که کردم این بود که - از شما دعوت نمودم و شما هم با میل و اراده خود دعوت مرا پذیرفتید، بنابراین، هرگز مرا سرزنش نکنید، بلکه خویشتن را ملامت کنید. - که چرا دعوت شیطننت آمیز مرا پذیرفتید. خودتان کردید که لعنت بر خودتان باد -). (۱۹۳)

(به هر حال) نه من می‌توانم در برابر حکم قطعی و مجازات پروردگار به فریاد شما برسم و نه شما می‌توانید فریاد رس من باشید. من اکنون اعلام می‌کنم که، از شرک شما درباره خود، و این که اطاعت مرا در ردیف اطاعت خدا قرار دادید بیزارم و آن کفر را نمی‌پذیرم! اکنون فهمیدم که این شرک شما در اطاعت از من، هم مرا بدبخت کرد و هم شما را. همان بدبختی و بیچارگی که راهی برای اصلاح و جبران آن وجود ندارد.

به این ترتیب، شیطان لعین نیز با سایر خودکامه‌گان که رهبران گمراهی بودند، هم آوازه شده و تیرهای ملامت و سرزنش خود را به این پیروان بدبخت و بیچاره نشانه‌گیری می‌کند. در واقع این یک نوع مجازات روانی برای پیروان شیطان است. آن ملعون آن قدر در کار خود استاد و ماهر است که هم در دنیا مردم سست ایمان را گمراه و منحرف می‌نماید و از حق و حقیقت دور می‌کند و هم در آخرت آنها را محکوم و سرزنش می‌نماید. از طرف دیگر خود را تبرئه کرده و بی‌گناه معرفی می‌نماید.

آن روز به پیروان جاهل و سست ایمان خویش ایراد می‌گیرد و می‌گوید: برای هدایت شما پیامبرانی از جانب خدا آمدند و آنها هم برای جلوگیری از انحراف شما جانشینانی بعد از خود برگزیدند. از طرف دیگر، قرآن کتاب آسمانی، امامان معصوم - علیهم السلام - و همه علمای متعهد و گاه مؤمنان وارسته برای ارشاد و هدایت شما دست به دست هم دادند تا شما را از وسوسه‌های من دور داشته و به صراط مستقیم بکشانند، اما شما با این که آنها را می‌دیدید و کلام ایشان را می‌شنیدید و در میانشان بودید، آن قدر مست و مغرور گناه و دل باخته و وسوسه‌های شیرین من بودید که حرف آنان را قبول نکردید و

با این که حرف مرا نمی شنیدید خریدارش شدید و به یاران من پیوستید. سپس به آنان می گوید: شما کجا و کی مرا دیدید، کجا و کی حرف مرا شنیدید؟ شما دروغ می گوئید! من اصلا شما را نمی شناسم. شما خودتان خراب بودید، بی دین و فاسد بودید، چرا دیگران منحرف نشدند. لعنت خدا و ملائکه بر خودتان باد که به دستور خالق و رازق خود عمل نکردید. به این ترتیب، جنگ بین شیطان و طرف دارانش خاتمه پیدا می کند و هر کسی به سزای اعمال خود می رسد.

تهمت شیطان به زکریا

شیطان چون نمی توانست بر پیامبران الهی دست پیدا کند، از دشمنی و خشمی که از ایشان داشت برای کشتن و بی اعتبار کردن آنان تهمت های ناروایی را به آنان نسبت می داد. از جمله: تهمت زنا به زکریای پیغمبر است.

از وهب بن منبیه روایت شده: روزی که مریم عیسی علیه السلام را آبستن شد و مردم مطلع شدند، شیطان در میان بنی اسرائیل به صورت یکی از عابدهای بیت المقدس در آمده و به مریم فحش و ناسزا می داد، و می گفت: ای مردم! زکریا با مریم روابط نامشروع دارد. وی چون مریم رازیبنا و صاحب جمال دیده با او زنا کرده! و مریم از زکریا حامله شده. زکریا را بکشید که همه ما را بدنام کرده است.

مردم در صدد کشتن زکریا بر آمدند و بر سر وی ریختند تا او را بکشند. زکریا از ایشان گریخت تا به درختی رسید و به آن پناه برد. درخت برای او شکافته شد و گفت: ای زکریا! داخل شو. وقتی داخل شد درخت به هم آمد و آن حضرت از نظرها پنهان شد.

شیطان با بنی اسرائیل از پی آن حضرت می آمدند تا به درخت رسیدند، آن معلون دستور ساختن اره دو سر داد، او دست خود را بر درخت گذاشت و از پایین تا بالا کشید. دل آن حضرت را از پشت درخت شناخت و دستور داد همان جا را با اره دو سر بریدند. بعضی گویند: اره را از بالای درخت گذاشتند، به طوری که اره از فرق سر او

بگذرد - و آن حضرت را در میان درخت دو نیم کردند.

اره بر فرقش گذاشت و گفت: چونی

گفت: بر اولاد آدم هرچه آید بگذرد

زکریا از این ماجرا احساس درد و ناراحتی نکرد و به شهادت رسید. آن ملعون، بعد از این، میان بنی اسرائیل ناپدید شد و دیگر کسی او را ندید!

بعد از شهادت زکریا خداوند متعال عده‌ای از فرشتگان را فرستاد تا آن حضرت را غسل دادند و بر او نماز خواندند و بدن مطهر او را دفن نمودند. (۱۹۴)

تهمت شیطان به مریم!

شیطان بعد از آن که حضرت زکریا را به شهادت رسانید، در صدد برآمد که آبروی حضرت مریم را نیز بریزد و در پی فرصت بود.

وقتی حضرت عیسی علیه السلام متولد شد، آن ملعون به صورت زنی از بنی اسرائیل در آمد و آنان را واداشت تا به مریم ناسزا گویند و آب دهان به صورت ایشان اندازند.

وقتی زن‌ها مریم را دیدند که فرزندش را در آغوش گرفته می‌آید، شروع کردند به ایشان ناسزا گفتن. به او گفتند: ای مریم! حیف از آن سابقه درخشان و این آلودگی! صد حیف از آن دودمان پاکی که این گونه بدنام شد. ای مریم! تو مسلماً کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! این کارشایسته تو نبود. بعضی به او گفتند: ای خواهر هارون! پدر تو آدم بدی نبود، مادرت نیز هرگز آلودگی نداشت و زناکار نبود. در این هنگام، مریم به فرمان خدا سکوت کرد. تنها کاری که انجام داد این بود که اشاره به نوزادش عیسی علیه السلام کرد - که از او پرسید. آنها گفتند:

ما چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم؟! - ای مریم! ما رامسخره کرده‌ای - ولی این حالت چندان به طول نینجامید، چرا که

آن نوزاد زبان گشود و با آنان سخن گفت. و رفع تهمت از مادر خود کرد و بینی شیطان را به خاک مالید. (۱۹۵)

بعد از آن، مریم فرزند خود عیسی را برداشت و از بیت المقدس بیرون آمد تا به آبادی رسیدند. کد خدای آن آبادی، مریم را به خانه خود برد و روز به روز به احترام مریم می افزود.

باز، شیطان به فکر توطئه و تهمت دیگری برآمد که ضربه خود را به مریم و فرزندش بزند. نقشه آن ملعون این گونه بود که، شبی طفل آن کد خدا را خفه کرد و آمد پیش وی و گفت: این زن نمک شناس طفل تو را کشته است. من دیدم این زن و فرزندش حلق این طفل معصوم و بی گناه را فشردند تا مرد. دلم به حال این طفل سوخت و ناراحت شدم. کد خدا عاقل بود. مریم را طلبید و گفت: من چه بدی در حق تو کرده بودم که پسر مرا کشتی؟! مریم قسم یاد کرد که من از این قضیه اطلاع ندارم.

آن مرد گفت: من، آن را به خدا واگذاشتم، لیکن دیگر این جانمان که چشم من به صورت شما نیفتد. نمی توانم قاتل فرزندم را ببینم. ایشان هم از آن جا بیرون رفتند و خانه به دوش، هر روز در دهی به سر می بردند. (۱۹۶)

صدقه دادن از زبان شیطان

اگر چه شیطان با دادن صدقه مخالفت می کند و از کسانی که می خواهند از مال خود به نیازمندان ببخشند جلوگیری می نماید، اما وقتی که از ویژگی های صدقه دادن از او می پرسند، حقیقت و منافع صدقه را بیان می کند.

در یک دیدار، حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم چند سؤال از او کردند، او همه را جواب داد. یکی از سؤال ها این بود که حضرت فرمود: ای ملعون! صدقه دادن امت من نزد تو چگونه است و منافع صدقه چیست؟ شیطان در جواب حضرت عرض کرد: یا رسول الله صلی

الله علیه و آله وسلم! در صدقه دادن امت تو شش خصلت و منفعت است.

اول این که، با صدقه و بخشش کردن، نه تنها مال انسان کم نمی شود، بلکه هر روز بر دارایی صدقه دهنده افزوده می شود. (۱۹۷)

دوم این که، به واسطه صدقه دادن، عمر طرف زیاد و مرگ های ناگهانی و حوادث ناگوار از او برطرف می گردد. (۱۹۸) - حدیثی در این باره وارد شده که صدقه دادن هفتاد نوع بلا را برطرف می کند. (۱۹۹)

سوم، با صدقه دادن توانگری پیدا می شود و فقر و ناداری از بین می رود. (۲۰۰)

چهارم، صدقه به صاحبان و صدقه دهندگان خود تندرستی می دهد، از دردها و رنج های گوناگون نجات می یابند.

پنجم، کفه اعمال صدقه دهندگان در روز قیامت سنگین می شود و به خوبی و بدون ترس از پل صراط می گذرند.

ششم، صدقه در روز قیامت دیواری می شود بین آتش جهنم و بخشش کنندگان، به طوری که آتش جهنم نمی تواند به آنان اذیت رساند. (۲۰۱)

نیز آن حضرت در این باره فرمودند: صدقه دادن پشت و کمر شیطان را می شکند. (۲۰۲) درباره گفته های شیطان روایات زیادی در کتاب های حدیث موجود است می توان از آنها استفاده کرد.

هم چنین آن حضرت فرمود: درباره وصی و جانشین من امیر المؤمنین علیه السلام چه می گویی؟ آیا تا حال بر او دست یافته ای؟ عرض کرد: من هرگز بر آن حضرت دست نیافته ام و نخواهم یافت. فقط راضیم که او مرا به حال خود واگذارد و اذیتم نکند، تاب دیدار آن حضرت را ندارم، چون او را ببینم مانند پنبه ای که در آتش افتد و بسوزد، می سوزم.

بسیاری از کارهای حرام از اعمالی شیطان است، زیرا او اختراع کرده و خود او هم اول انجام داده است.

در این جا لازم می‌دانم مقداری درباره اعمال کردار زشت شیطان مطالبی را بنویسم تا کسانی که می‌خواهند از او و رفتارش پند بگیرند، بدانند کدام یک از کارها مورد علاقه او است:

۱. آدم کشی، شیطان می‌کوشد مردم را به جان هم اندازد. او می‌خواهد از هر بهانه‌ای که شده زد و خورد به وجود آورد تا خون ریزی شود، مثل داستان فرزندان آدم و جنگ‌های کوچک و بزرگی که در دنیا به راه می‌افتد. همه به سعی و کوشش آن ملعون است.

۲. عاق والدین، او سعی می‌کند فرزندان را مغرور سازد و در آنها خودبینی ایجاد نماید تا حاضر نباشند در مقابل پدر و مادر گوش به فرمان باشند، تا والدین هم آنها را نفرین و عاق نمایند، در نتیجه هم در دنیا گرفتار و بدبخت شده و هم در آخرت به عذاب مبتلا شوند.

۳. رباخواری، او مردم را تشویق به جمع کردن مال دنیا می‌کند، گرفتار ربا را پیش آنان خوب جلوه می‌دهد، لذت و طعم این کار را برای اینان شیرین می‌کند. بندگان را تحریک می‌نماید که چیزی به دیگران نبخشند و اگر هم ببخشند درصدی از آن را به عنوان سود، خواستار شوند.

۴. حرام خوردن، می‌گوید: به دست آوردن مال بدون زحمت کیف‌دارد. مال خود و دیگران را از آن خودت حساب کن. مال یتیم، و تصرف در آن و مال موقوفه را مباح معرفی می‌کند.

۵. فرار از جنگ، زندگی کردن و زنده بودن را پیش چشم انسان زینت می‌دهد و می‌گوید: تو هنوز جوانی زن و بچه داری، پدر و مادر داری، آنان بی‌سرپرست و حیران می‌شوند، کسانی هستند که به جای تو در مقابل دشمن مبارزه کنند، حفظ جان واجب است. او این وسوسه‌های دل‌پذیر و فریبنده را به فکر رزمندگان و جنگ‌جویان می‌اندازد که میدان را رها کنند و بگریزند.

۶. نسبت ناشایست دادن، هم و غم او این است که دامن پاکان را لکه‌دار کند، آبرو و شخصیت ایشان را از بین ببرد. لذا عده‌ای را وادار می‌کند که برای رسیدن به مقصود خود به زنان و مردان پاک تهمت

بزنند و نسبت زنا و لواط بدهند.

۷. کم فروشی، بازاریان و تجار و کسبه کوچه و بازار را وادار می کند که مقداری از جنسی را که می خواهند بفروشند کم کنند، و جنسی را که می خواهند بخرند زیادتر بگیرند. به آنها القا می کند که شما هم خرج دارید،

بچه و زن دارید، کرایه مغازه دارید، باید مالیات بپردازید، پول آب و برق بدهید، ریخت و پاش و از بین رفتن دارد، چه اشکالی دارد اگر مقداری کم فروشی کنید؟

۸. ریش تراشی، شیطان تا در میان ملائکه و فرشتگان بود و آنان رانصحیت می کرد، ریش داشت، بعد از آن که از بهشت بیرون آمد حضرت آدم و پیامبران دیگر را دید که همه ریش دارند، برای این که با آنان هم مخالفت کرده باشد، ریش خود را تراشید پیامبر اسلام (ص) امت خود را از ریش تراشی نهی نمود و از کسانی که این کار را انجام می دهند مذمت کرده است. (۲۰۳)

۹. خواب بین الطلوعین، یکی از خواب های او، خواب بین طلوع صبح و طلوع خورشید است. خواب در این ساعات مورد علاقه شیطان است. در این زمان می آید و اطراف لحاف انسان را می گیرد و در گوش افرادی که خواب هستند بول می کند که صدای اذان را نشوند. زمین در این هنگام از دست کسانی که خواب باشند ناله می کند. (۲۰۴)

۱۰. خواب در مجلس ذکر، وقتی مجلس ذکر خدا و موعظه برقرار می شود،

می آید و انسان را به خواب می برد. طریقه به خواب کردن او این است که سرمه به چشم انسان می کشد و در اثر آن، چشم گرم می شود و در آن مجلس انسان چرت می زند. (۲۰۵)

۱۱. احتلام کردن، از اعمال او محتمل کردن مردم به خصوص جوانان است.

خود را در خواب ایشان به صورت زن زیبا یا جوان زیبا در می آورد و در اختیارشان قرار می دهد تا انسان را در خواب جنب کند و به نماز و روزه انسان آسیب برساند.

۱۲. ریختن آبرو، آشکار کردن عیب مردم، چه در قالب شعر و چه

در گفتار، از اعمال شیطان است. دلیل آن هم آیات و روایاتی است که در مذمت غیبت وارد شده. (۲۰۶)

۱۳. غنا، غنا و آواز خوانی از اعمال شیطان است. حرمت آن هنگامی است که صدا را در گلو بچرخانند و به اصطلاح «چهچه بزنند». (۲۰۷)

۱۴. نجوا، نجوا و در گوشه گفتن در مجالس از خواسته‌های زشت شیطان است. خداوند در این باره می‌فرماید:
«انما النجوى من الشيطان ليحزن الذين امنوا»

«به درستی که نجوا و راز گفتن و در مجالس در گوشه صحبت کردن از اعمال زشت و قبیح شیطان است که می‌خواهد به این وسیله مؤمنان را پریشان خاطر سازد». (۲۰۸)

یکی از علت‌های پریشانی مؤمنان این است که دو نفر در مجلسی با هم در گوشه صحبت کنند. در این هنگام دیگران فکر می‌کنند که درباره‌ی ایشان حرف می‌زنند به این خاطر، آزرده می‌شوند.

۱۵. صنج، صنج از آلات لهو و زدن آن حرام است. پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله وسلم در این باره فرمود: از صنج زدن دوری کنید، زیرا شیطان همراه صنج‌زن قدم بر می‌دارد و ملائکه از تو متنفر می‌شوند و از تو دوری می‌کنند. (۲۰۹)

۱۶. عود، نوعی از آلات لهو و از اعمال شیطان و استعمال آن حرام است. روایتی در این زمینه می‌فرماید: عود زدن نفاق را در قلب‌های رویانده همان طور که آب سبزه را می‌رویاند. (۲۱۰)

۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰، شراب، قمار، بت پرستی، تیرهایی که با آنها گرو بندی می‌کنند. همه از کارهای شیطان است. قرآن در این باره می‌فرماید:

«يا ايها الذين امنوا انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم تفلحون»

«ای اهل ایمان! شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گرو بندی - که در زمان جاهلیت بوده - همه پلید و از اعمال شیطان است. از آنها، دوری کنید تا رستگار شوید». (۲۱۱)

۲۱، ۲۲ و ۲۳، لواط، مساحقه، زنا، این سه چیز هم از اعمال بسیار زشت و

شرم آور شیطان است که، اول در میان قوم لوط رواج داده شد و سپس به جاهای دیگر سرایت کرد. - لواط عمل بسیار زشت و قبیحی است که مرد با مرد انجام می دهد و مساحقه عمل زشتی که زن با زن انجام می دهد و منشاء این دو عمل، از دو شیطان، به نام زوال و لاقیس در زمان لوط بوده است. (۲۱۲)

۲۴، جیغ کشیدن: جیغ زدن در هنگام مصیبت از اعمال شیطان است. در حدیثی آمده:

«الصراخ من الشیطان و البكاء من الرحمان»

«جیغ کشیدن و فریاد و فغان در مصیبت ها از اعمال، شیطان و گریه کردن خدایی است.» (۲۱۳)

۲۵، هنگام ناراحتی و فکر کردن، دست به زیر چانه زدن، و ناخن به دندان گزیدن، و ریش را با دندان گرفتن و کندن از خوی شیطان می باشد. (۲۱۴)

۲۶. خوابیدن بر روی شکم، در خبری آمده است که: شیطان بر روی شکم و صورت می خوابد. معصومان علیه السلام از آن نهی کرده اند. (۲۱۵)

۲۷. مجادله، جدال، لجاجت، دعوا و زد و خورد کردن از خوی شیطان است. همان طور که خداوند از قول حضرت موسی علیه السلام چنین می فرماید:

«قال هذا من عمل الشیطان انه عدو مذل مبین»

حضرت موسی علیه السلام وقتی دید دو نفر، یکی مؤمن و دیگری کافر، با هم مشاجره می کنند، «فرمود: - این کار فریب و وسوسه شیطان است. به درستی که او گمراه کننده مردم است، گمراه کننده ای سخت و آشکار.» (۲۱۶)

۲۸. زلف، زلف گذاشتن و جلو سر را نتراشیدن از روش شیطان است. (انسان یا باید سر را هیچ نتراشد یا همه آن را بتراشد). (۲۱۷)

۲۹. شبیهه: شبیه در آوردن، خود را شبیه امام حسین یا دیگر امامان کردن اعمال شیطانی است. اول کسی که شبیه در آورد، دو نفر بودند، یک زن و شوهر - مرد به نام «مره» و زن به نام «لیلا». مختار

وقتی قیام کرد، فرستاد هر دو را آوردند و دستور داد آنها را به هم بستند و در آتش انداختند. (۲۱۸)

۳۰. بخل، یکی از روش‌های ناپسند شیطان بخل است. هم خودش بخیل است و هم مردم را به بخل دعوت می‌کند. قرآن در این باره می‌فرماید: «الشیطان یعدکم الفقر و یاءمرکم بالفحشاء»

هنگام کمک به دیگران، «شیطان شما را از فقر و بی‌چیزی می‌ترساند و بخل را در دستور کارتان قرار می‌دهد و به کارهای ناروا دعوت می‌کند». (۲۱۹)

۳۱. گریه دروغ، اول کسی به دروغ گریه کرد. شیطان بود. او پیش حوآ مادر بزرگ آدمیان - آمد و شروع کرد به دروغ گریستن و گفت: من دلم بر جوانی تو می‌سوزد، زیرا تو می‌میری «آیا می‌خواهی تو را راهنمایی کنم به درختی که اگر از آن بخوری پیر نشوی و نمیری؟!». (۲۲۰)

۳۲. نقاشی، چهره‌پردازی و ساختن مجسمه انسان یا حیوان از کارهای شیطان است. و آن، حرام و سازنده‌اش در عذاب است. (۲۲۱)

۳۳. سحر، سحر و ساحری از اعمال شیطان است. او استاد سحر بود. قرآن در این رابطه می‌فرماید: شیاطین به مردم سحر یاد می‌دادند. (۲۲۲) وقتی سلیمان از دنیا رفت آن ملعون در نامه‌هایی

درباره سحر نوشت وزیر تخت سلیمان گذاشت بعد بیرون آورد و گفت: سلیمان ساحر بوده و این نامه‌ها علامن آن است.

۳۴. مکر، خدعه و نیرنگ وسیله‌ای است که با آن مردم فریفته می‌شوند و از راه راست منحرف می‌گردند.

۳۵. کبر، اولین سرکشی شیطان در برابر خدا است. و به واسطه همین بود گفت: «من از آدم به‌ترم، زیرا مرا از آتش و او را از خاک خلق کردی». (۲۲۳)

نردبان خلق این ما و من است

عاقبت زین نردبان افتادن است

هر که بالاتر رود ابله‌تر است

کاستخوانش خوردتر خواهد شکست

۳۶. خمیازه، خمیازه کشیدن عادت شیطان است. خمیازه یک سستی است که بر انسان چیره می شود و آن هم از سنگینی بدن و کسالت به وجود می آید. سنگینی بدن هم از پر خوری و آشامیدن زیاد و شهوات به وجود می آید. و انسان همواره دهن دره می کند.

بعد ←

↑ فترت

→ قبل